

# غنی سازی و خلاقیت

ناصرالدین کاظمی حقیقی

خلاقیت یکی از انواع بسیار مهم تیزهوشی است که نیاز به تدابیر پرورشی خاصی دارد. «غنی سازی انفرادی» و «فرایند پژوهی اختراع» دو تدبیر تربیتی هستند که اخیراً مورد تأکید صاحب‌نظران قرار گرفته‌اند. اثر بخشی و بازدهی این دو راهبرد نیاز به حمایت محیطی دارد و این امر نیز در گرو افزایش آگاهی عمومی است. در پایان یک برنامه غنی سازی ویژه برای خلاقیت پیشنهاد می‌گردد.

**کلید واژه‌ها:** خلاقیت، غنی سازی انفرادی، فرایند پژوهی اختراع، آگاهی عمومی، برنامه ویژه.

«خلاقیت» یکی از انواع مهم و برجسته «نخبگی» است. آثار درخشان و تبعات سودمند تشویق و پرورش خلاقیت، بر کسی پوشیده نیست. پایداری و پیشرفت جوامع بشری، متأثر از وجود دستاوردهای خلاقانه‌ای است که از کوششها و تلاشهای فراگیر و پیگیرانه در طول چندین نسل حاصل شده است. پس توجه اساسی به افراد خلاق و خلاقیت آحاد جامعه، اصلی بنیادی و حیاتی بشمار می‌آید.

## برنامه ویژه خلاقیت

پرورش خلاقیت در سطوح و رده‌های گوناگون نیازمند وجود برنامه تربیتی ویژه‌ای است. بخش قابل ملاحظه‌ای از مطالعات و پژوهشهای مربوط به آموزش خاص استعداد‌های درخشان

و نخبگان مختص حوزه «خلاقیت» است. در طی دهه‌های اخیر، بعضی از فعالترین و کوشاترین متخصصان و پژوهشگران و صاحب‌نظران نخبگی، هم‌خویش را صرفاً بر روی طراحی برنامه‌ها و اسلوبهای آموزشی ویژه برای خلاقیت معطوف نموده‌اند و این روند با گذشت زمان و گسترده‌گی مطالعات در سطح جهان رو به افزایش است که حاصل آن، ارایه برنامه‌های جدید و متنوع است.

تازه‌ترین پژوهشها و تحقیقات در این زمینه، بر ارایه دو تدبیر اساسی تأکید می‌ورزند:  
الف) غنی‌سازی انفرادی: به عنوان یک اصل زیر بنایی، برنامه «غنی‌سازی»، یک کوشش آموزشی بسیار شایسته برای پرورش خلاقیت است.

اثرات یک کوشش «غنی‌سازی انفرادی» بر روی موضعگیری، خودباوری و فرآوری خلاقانه یکصد و هشت دانش‌آموز تیزهوش دارای ناتوانی در یادگیری در پایه‌های تحصیلی چهار تا شش بررسی شد.

یک ساختار غنی‌سازی در سطح مدرسه وجود داشت که بر اساس ظرفیت، خلاقیت، علائق و ارجحیتهای مربوط به روش یادگیری دانش‌آموزان، به طور انفرادی بکار گرفته شد. ابزار بررسی «ارلین - هیلز» در باره فرایند یادگیری مدرسه و مقیاس خودباوری «پیرز - هاریس» اجرا گردیدند و نتایج نشان داد که مشارکت در طول سال طی این برنامه، اثر مثبت معناداری بر روی موضعگیری نسبت به مدرسه، خودباوری و فرآوری خلاقانه داشته است»<sup>(۵)</sup>.

می‌دانیم کوششهای آموزشی تعریضی و تعمیقی در ماده و یا مواد ویژه، محور فعالیتهای غنی‌سازی است. «غنی‌سازی انفرادی»، کوششهای یادشده را به طور مستقل و انفرادی در اختیار می‌گذارد. پس این برنامه دو امتیاز عمده در جهت تقویت خلاقیت دارد: اولاً غنی‌سازی؛ چنان که بارها نشان داده شده است، یکی از مناسبترین تدابیر آموزشی برای خلاقیت، کوشش مزبور است. ثانیاً این امر یک اقدام انفرادی است. چنین خصوصیتی بانایزهای ویژه افراد خلاق که به فعالیتهای مستقل و متمایز بها می‌دهند، هماهنگ است. از این رو «غنی‌سازی انفرادی» باعث افزایش خلاقیت می‌شود و همراه با آن، خودباوری فرد را بالا می‌برد.

به نظر میرسد که تیزهوشان مورد مطالعه که دچار ضعف تحصیلی موضوعی (در مواد درسی خاص) هستند، از زمینه‌های خلاقیت برخوردارند؛ یعنی در واقع تیزهوشی از نوع خلاقیت مورد مطالعه قرار گرفته است؛ نه تیزهوشی تحصیلی، زیرا غنی‌سازی انفرادی، جذب و پذیرفته شده

و حتی موضعگیری تحصیلی نیز مثبت شده است.

با این توضیح می توان درک کرد که چگونه «ناتوانی یادگیری تیزهوشان» با غنی سازی انفرادی برطرف می گردد. این مطالعه همچنین نشان می دهد که خودباوری و موضعگیری تحصیلی دانش آموزان تیزهوش بستگی به نوع برنامه آموزشی دارد. یعنی غنی سازی انفرادی از طریق بهبود خودباوری به رشد و گسترش تصمیمگیری مستقل، عزت نفس و اعتماد به نفس دانش آموزان تیزهوش می انجامد و نظام آموزشی ویژه را از نقطه نظر دانش آموزان تیزهوش، امری خوشایند و جذاب می کند.

علاوه بر آن می توان استنباط نمود که دانش آموزان تیزهوش ممکن است دچار برخی ناتوانیهای یادگیری باشند که از طریق غنی سازی انفرادی قابل رفع است.

به نظر می رسد که مقیاس خودباوری «پیرز- هاریس»، هنوز رایجترین ابزار در سنجش خودباوری است. بر اساس آنچه که بیان شد یک کوشش غنی سازی شایسته، حداقل بر وجود شش محور اساسی تأکید می ورزد:

۱- شرح مطالب از حیث استفهام تمییزی و بیان موارد تفاوت و وجوه افتراق و تعیین حدود و مرزهای میان مبانی و مفاهیم مرتبط با موضوع

۲- نظامدهی ترکیب و وحدت یافتگی میان مطالب آموخته شده.

۳- آزمایش و تجربه آنچه که به طور انفرادی یاد گرفته شده است؛ با استفاده از امکانات

کارگاهی، تجهیزات آزمایشگاهی و وسایل سمعی و بصری

۴- نقد و ارزشیابی محتوایی مطالب از حیث میزان وثوق و درستی و نیز تحلیل آن مطالب

۵- تعمیم نتایج و یافته ها در حد گسترده و فراگیر و استخراج کلیه تبعات و آثار

۶- استنباط جنبه های ارزشمند و مفید مطالب از چشم انداز بهره وری اجتماعی

ب- فرایند پژوهی اختراع: این تدابیر آموزشی ویژه اشاره به کارآموزی برای بررسی فرایند و

مطالعه جریان یک اختراع دارد. کودکان و دانش پژوهان با خط سیر و روند فعالیت هایی که منجر به

یک اختراع و پدید آیی یک اثر بی همتا شده است، آشنا می شوند و مراحل متوالی آن را

حتی المقدور در طی عمل تحقق می بخشند. نتایج جدیدترین پژوهشها حاکیست که «فرایند

پژوهی اختراع» می تواند کودکان را نوآورتر و مبتکرتر کند.

«تأثیر کارآموزی برای فرایند پژوهی اختراع بر روی رشد خلاقیت، خودباوری و مهارتهای

کلامی یکصد و هفت کودک تیزهوش و غیر تیزهوش (با میانگین سنی ۵ سال و هشت ماه) مطالعه شد. پیشرفت محسوس قابل ملاحظه‌ای در نمرات خلاقیت گروههای آزمایشی (در مقایسه با گروه گواه) به دست آمد؛ اما تفاوتی برای کودکان تیزهوش و غیر تیزهوش حاصل نشد.

استنباط می‌گردد که «فرایند پژوهی اختراع» می‌تواند یک راهبرد مؤثر برای بهره‌گیری در مقطع کودکتان باشد.<sup>(۴)</sup>

این مطالعه به خوبی نشان می‌دهد که هرگونه فعالیتی که به اختراع، ابداع و نوآوری یاری دهد و روشهای پژوهش و کاوش و تحقیق را بیاموزاند، به تقویت خلاقیت می‌انجامد. این کوششهای ویژه را می‌توان از مقطع پیش دبستانی آغاز کرد و نتایج آن را به سرعت مشاهده نمود. در توضیح این یافته می‌توان بیان داشت که خلاقیت بر یک پایه محرز تجربه و کارآزمودگی قرار دارد؛ همچنان که مبتنی بر وجود اندیشه‌گردش پذیر و انعطافی است. پس هر وضعیتی که اندیشه و کارآزمودگی را بهبود بخشد، خلاقیت را رشد بیشتری می‌دهد، از آن جمله است کوششها و تلاشهای پژوهشی در جهت نوآوری و اختراع که مستلزم بهره‌گیری از تجربه، فعالیت عملی و اصالت در اندیشه است. لذا تدبیر تربیتی مزبور (فرایند پژوهی اختراع) منجر به افزایش خلاقیت می‌شود.

بر اساس این مطالعه به نظر میرسد که تدبیر مزبور بستگی به تیزهوشی ندارد؛ اما از سوی دیگر می‌دانیم که «تفکر واگرایی یک فرد تیزهوش بر خلاف غیر تیزهوش می‌تواند عملکرد خلاق وی را در آینده پیش بینی نماید».<sup>(۱)</sup> لذا باید چنین فرایندی به «تفکر واگرایی» برتر تیزهوشان، یاری بیشتری کند و در نتیجه نمرات خلاقیت تیزهوشان برتر باشد، زیرا زمینه خلاقیت آنها از افراد عادی بیشتر است. حال آن که چنین تفاوتی در مطالعه فوق به دست نیامده است. تعارض یافته‌ها ممکن است ناشی از وجود موارد زیر باشد:

۱- ابزارهای به کار رفته به عنوان شاخص خلاقیت و تیزهوشی، در دو مطالعه، روایی متفاوتی دارند.

۲- نتایج متفاوت بستگی به جنبه‌های تحولی و عامل سن دارد؛ یعنی خلاقیت پذیری در سنین پایینتر بیش از سالهای بعدی است و پیش بینی پذیری عملکرد خلاق بر اساس تفکر و اگرآ در میان تیزهوشان، مختص سنین بالاتر از طفولیت است.

۳- محتویات برنامه یاد شده «فرایند پژوهی اختراع» بیش از خلاقیت با تفکر واگرا ارتباط دارد و منظور از خلاقیت در مطالعه مورد بحث، تفکر واگراست که جنبه اکتسابی دارد.

۴- اگر یافته این پژوهش را اساس تفسیر قرار دهیم، به نظر میرسد که تیزهوشی مورد مطالعه از نوعی بوده است که فاصله بسیار زیادی با نوع خلاقیت دارد، یعنی خلاقیت دو گروه تیزهوش و غیر تیزهوش، پیش از انجام پژوهش، مشابه و یکسان بوده است.

از سایر نتایج تلویحی این مطالعه، عدم تغییر خودباوری است. اگر این نتیجه را بپذیریم، ظاهراً رشد «تفکر واگرا» و یا «خلاقیت» همیشه همراه با افزایش «خودباوری» نیست؛ چنان که توأم با تقویت مهارتهای کلامی نیز نمی باشد.

### نقش آگاهی عمومی در حمایت از برنامه ویژه

بی تردید توفیق هر کوشش تربیتی خاصی برای خلاقیت پروری، بستگی به حمایت کافی و پشتیبانی شایسته از سوی جامعه دارد. این حمایت نیز برآیندی از نوع اعتقاد عموم مردم است. مطالعات نشان می دهند که موضعگیری مردم به میزان توجه آگاهانه آنها نسبت به نخبگی بستگی دارد. پس افزایش توجه آگاهانه مردم درباره نخبگی و استعدادهای درخشان، احساس ضرورت آنها را نسبت به آموزش ویژه بیشتر می کند.

«یافته های حاصل از سی و پنج مطالعه مربوط به پیش بینی های موضعگیری مردم نسبت به آموزش تیزهوش مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت بیش از چهل و هشت متغیر به عنوان عوامل توضیحی بالقوه بررسی شد؛ اما هیچ عامل منحصر به فردی به تنهایی نتوانست تعیین کننده پراکندگی موضعگیری در میان مربیان، والدین و یا عموم مردم باشد.

تحلیل انتقادی از روشهای تحقیق نشان داد که چهار مسئله اصلی وجود دارد:

۱- ابزارهای نامناسب در سنجش موضعگیری نسبت به پدیده تیزهوشی، ۲- خلاصه سازی یافته ها و نتایج، ۳- واگرایی و تنوع روشها، ۴- نارسایی نمونه ها در نمایاندن جامعه. علاوه بر آن، تعداد کم ابزارهای پیش بینی کننده و استفاده از شیوه های آماری نامناسب (۲) بر ابهام این امر می افزاید.

«گروه محدودی از پیش بینی های موضعگیری عمومی نسبت به آموزش ویژه، از توانمندی تشریحی برتری برخوردارند. نتایج یک بررسی بر روی یکصدوسی و نه معلّم و یکصدوسی و هشت پدر و مادر با استفاده از یک مقیاس موضعگیری شامل ده سؤال آماری

اجتماعی نشان داد که برخی متغیرهای انفرادی نظیر سطح آموزشی (تحصیل) و درآمد خانواده بسیار مهم هستند. علاوه بر آن، موقعیت اجتماعی و اقتصادی و نیز میزان تماس با افراد تیزهوش به ترتیب دوازده و ده درصد پراکندگی نمرات موضعگیری را تبیین می‌کنند. پیشنهاد می‌شود که این دیدگاه روش شناختی در مورد پیش‌بینی‌های موضعگیری مردم نسبت به آموزش کودکان مستعد و تیزهوش به کار گرفته شود.<sup>(۳)</sup>

اهمیت دیدگاه عمومی و موضعگیری آحاد جامعه نسبت به تیزهوشی و آموزش ویژه، درحالی است که بخش قابل ملاحظه و رو به گسترشی از مطالعات و تحقیقات (به ویژه در دهه اخیر) به بررسی این امر اختصاص یافته است.

این مطالعات نشان می‌دهند که دیدگاههای افراد جامعه در باره ضرورت آموزش ویژه و اقدامات تفکیکی برای نخبگان، بسیار متفاوت و متنوع است. کمتر دیدگاهی به چشم می‌خورد که مورد هماهنگی و توافق عموم مردم باشد.

علی‌رغم آن، ممکن است برخی عوامل وجود داشته باشند که در ترکیب با یکدیگر به تبیین این مطلب یاری دهند.

اختلاف عقیدتی و فرهنگی مردم موجب تفاوت در دیدگاههای دیگر می‌شود؛ از جمله آنها اختلاف نظر درباره امر آموزش و پرورش است. مثلاً آیا نظام آموزش و پرورش باید بسته به سطح هوش افراد، متفاوت باشد یا یکنواخت؟

نظامهای اعتقادی و ارزشی خاصی که قائل به وجود تفاوت و اختلاف ذاتی میان افراد آدمی نیستند، بالطبع، دیدگاههای منفی را در میان مردم نسبت به آموزش ویژه نخبگان رشد می‌دهند و این اقدامات آموزشی خاص را فعالیتهایی تبعیض آمیز و غیر عادلانه می‌دانند. پس تنوع دیدگاهها، حاصل اختلاف عموم مردم در آراء و عقاید است.

مردم با تحصیلات گوناگون و اطلاعات مختلف، دیدگاههای متفاوتی نسبت به لزوم آموزش ویژه دارند. ممکن است در سطوح اقتصادی و مالی پایین، دیدگاههای منفی و یا عدم ضرورت نسبت به تفکیک دیده شود.

علاوه بر آن به اندازه‌ای که مردم با نخبگان و پدیده تیزهوشی برخورد دارند، نسبت به میزان ضرورت آموزش ویژه موضعگیری نشان می‌دهند. کمی ارتباط و تماس با پدیده نخبگی، احساس عدم ضرورت را رقم خواهد زد و هر چه این تماس و پیوند بیشتر باشد، احساس لزوم

افزایش می یابد.

هر چه آگاهی عمومی و توجه اجتماعی نسبت به نخبگی افزایش یابد، کوششهای آموزشی و پرورشی ویژه، از حمایت و دوام بیشتری برخوردار خواهند بود و منابع انسانی در سطح خرد و کلان، توسعه روز افزونی خواهند یافت.

پس میزان احساس ضرورت مردم نسبت به آموزش ویژه به دیدگاه آنها در قبال پدیده نخبگی بستگی دارد. لذا با افزایش سطح تحصیلات و آگاهی عمومی مردم نسبت به دستاوردهای علمی و نیز ازدیاد برخورد و تماس با گروه نخبگان و پدیده تیزهوشی، دانش مردم نسبت به نیازهای ویژه این قشر بیشتری شود و ضرورت آموزش اختصاصی بیشتر می گردد. چنین وضعیتی معمولاً همگام با شرایط اقتصادی و اجتماعی متوسط است، یعنی این طور به نظر می رسد که در اقشار متوسط از لحاظ اقتصادی و مالی، توجه به نیازهای آموزشی و تحصیلی نسل آینده افزایش نشان می دهد.

### یک برنامه غنی سازی برای خلاقیت

- بر اساس آنچه بیان شد می توان یک «ساختار غنی سازی ویژه برای خلاقیت» توصیه نمود. مؤلفه ها و عناصر این ساختار مشتمل بر چهارده ویژگی است:
- ۱- بررسی دیدگاه عمومی و موضعگیری آحاد مردم در باره خلاقیت و پرورش آن.
  - ۲- ارتقاء سطح آگاهی عموم مردم بر پایه وضعیت عقیدتی موجود آنها درباره اهمیت و ضرورت خلاقیت و نقش حیاتی آن در پایداری و پیشرفت جامعه.
  - ۳- آشنایی و تماس مستقیم مردم با کودکان خلاق و نیازهای آنها.
  - ۴- تأمین منابع (انسانی و مالی) مناسب و شایسته برای اجرای برنامه ویژه.
  - ۵- تهیه فهرستی از اختراعات که فرایند اجرایی آنها در سطح درک و توانایی کودکان است.
  - ۶- انتخاب و گزینش یک اختراع از میان فهرست مزبور براساس آمادگی فردی کودک.
  - ۷- توضیح و تشریح جریان فرایند شکل گیری آن اختراع به وسیله مربی.
  - ۸- نظامدهی و ایجاد وحدت یافتگی مراحل متوالی فرایند برای کودک.
  - ۹- فراهم آوری وسایل و تجهیزاتی که بازآفرینی اختراع را توسط یک کودک تحقق بخشد.
  - ۱۰- اجرای فرایند به وسیله کودک یا طی مراحل به طور گام به گام با نظارت دقیق مربی.

- ۱۱- قضاوت و ارزشیابی و نقد کودک در باره فرایند یاد شده و بررسی و تحلیل آن.
- ۱۲- بررسی نتایج و تبعات فراگیر این اختراع و فرایند آن در جنبه‌های گوناگون.
- ۱۳- استنباط جنبه‌های ارزشمند و مفید آن اختراع از لحاظ کاربردهای اجتماعی.
- ۱۴- درخواست از کودک برای اجرای فرایند با شیوه متفاوت.



#### منابع:

- ۱- کاظمی حقیقی، ناصرالدین (۱۳۷۵). روان‌شناسی کودکان تیزهوش ، سایه‌نما صفحه ۹۸
- 2- Begin & Gagne (1995) Predictors of attitudes toward gifted education. *Journal for the Education of the Gifted, Vol 18 (4) , 495- 498.*
- 3- Begin & Gagne (1994) Predictors of a general attitudes toward gifted education. *Journal for the Education of the Gifted, Vol 18 (1) , 74- 89.*
- 4- Meador Karen S. (1994) The effect of synectics training on gifted and nongifted kindergarten students. *Journal for the Education of the Gifted, Vol 18 (1) , 55- 73.*
- 5- Olenchack, Richard, F. (1995) Effects of enrichment on gifted / Learning- disable students. *Journal for the Education of the Gifted, Vol 18 (4) , 385- 399.*

پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات تربیتی  
پرتال جامع علوم انسانی